



فشنگ‌ترین خاطره‌ام همانی است که صحنه غرق شدن مصعب در دریای خون دارالحکومه را نشان می‌داد. زمانی که باید این صحنه را بازی می‌کردم خیلی استرس داشتم. لباس خیلی دست و پاگیر بود. حتی شنلی که در این قسمت به تن داشتم دور من پیچیده و لباسم در زیر آب باد کرده بود و من باید تمام تلاشم را می‌کردم که به بالا کشیده نشوم



گفت و گو با جعفر دهقان، بازیگر نقش مصعب که مختار را به شهادت رساند

مصائب مصعب

مختارنامه از سریال‌های قوی و موفق است که در دل خود بازیگران زیادی را هم جای داده؛ بازیگرانی که به تنهایی برای خود وزنه سنگینی هستند و حالا همه آنها در یک سریال دور هم جمع شده‌اند. از جمله بازیگران مطرحی که در این مجموعه تلویزیونی نقش آفرینی کرد جعفر دهقان است. بازیگری که سال‌هاست با بازی در سریال‌هایی همچون مردان آنجلس، مریم مقدس، یوسف پیامبر، معمای شاه، سرزمین کهن و... توانایی خود را در بازی سریال‌های تاریخی نشان داده است. در سریال «مختارنامه» هم با بازی در نقش «مصعب بن زبیر» نشان داد که می‌تواند نقش منفی را هم در سریال‌های تاریخی به خوبی بازی کند. هرچند نقش بلندی در این مجموعه نداشت؛ اما باز هم جزو بازیگرانی است که تأثیر مثبت خود را در این سریال گذاشته بود. از این رو با او به گفت‌وگو پرداختیم.

آزاده باقری
روزنامه‌نگار

آقای دهقان باتوجه به این که شما تجربه بازی در سریال‌های تاریخی زیادی دارید کار با داوود میرباقری را چطور دیدید؟

میرباقری کارگردان قوی و نام‌آشنایی است که کار خود را به خوبی بلد بوده و چون در کارش وسواس و دقت بسیار دارد، کارهایی که تاکنون ساخته است همگی قوی و خوب از آب درآمده‌اند. من نیز بسیار خوشحال هستم که این شانس را داشتم در این مجموعه نقشی داشته باشم و با این کارگردان بزرگ همکاری کنم؛ چون تجربه کار کردن به من نشان داد چقدر می‌تواند یک کار با تمام سختی‌هایش لذت‌بخش باشد. مخصوصاً در مجموعه‌ای حضور داری که علاوه بر کارگردان بازیگرهای بزرگ، اسم و رسم‌دار و پیشکسوت هم هستند. حالا تمام اینها را اگر به‌ترین به طراحی صحنه، لباس، گریم، تدوین و... قوی که موجب شد پس از سال‌ها همچنان مختارنامه یک سریال موفق شناخته شود.

نقش میرباقری را به عنوان کارگردان چطور دیدید؟ او چطور تلاش می‌کرد برای آن که بازیگر را به آنچه در نظر دارد نزدیک کند و به سطح کیفی که می‌خواهد برساند؟

همان‌طور که گفتم حساسیت و وسواس در تک تک سکانس‌هایی که میرباقری می‌ساخت دیده

می‌شد. او با شخصیت‌هایی که قرار بود در فیلمش بازی کند چه قبل از فیلمبرداری چه بعد از آن به خوبی ارتباط برقرار می‌کرد و موشکافانه نقش را برای بازیگری که قرار بود آن را ایفا کند، توضیح می‌داد. او این کار را می‌کرد تا بازیگر به‌طور کامل شخصیتی را که قرار است بازی کند بشناسند و حتی تاجایی پیش می‌رفت که میرباقری به بازیگر درباره سکانس‌های بعدی که قرار است انجام گیرد و سکانس‌های قبلی که انجام گرفته بود توضیح می‌داد تا تمام حس و حال‌های بعد و قبل را بازیگر متوجه شود و این موضوع برای من بسیار جالب، شیرین و جذاب بود. چون در این زمان بود که متوجه می‌شدی میرباقری از آن دسته کارگردان‌هایی است که کار را به دست بازیگر نمی‌سپارد و تمام تلاش خود را می‌کند بازیگر را درست به سمت شخصیتی هدایت کند که می‌خواهد. برای همین آنقدر با بازیگرش سرو کله می‌زد تا کار به درستی پیش برود.

از تجربه بازی با فریبز عرب‌نیا بگوئید. بازی با ایشان را چطور دیدید؟

فریبز عرب‌نیا، بازیگر بسیار خوبی است و از آن دسته بازیگرهایی است که برای نقش‌اش زحمت می‌کشد و کار کردن با ایشان برای من لذت‌بخش بود. شخصیت بسیار دوست‌داشتنی دارد و انسان شریف و با اخلاقی

است و خیلی در کارش حرفه‌ای و خوب بود. برای همین من هم دوست داشتم با او همبازی شوم و تجربه‌ای متفاوت را برای من خلق کرد.

خودتان پس از بازی در این سریال چه تفاوتی بین کارهای قبل و بعدتان با «مختارنامه» می‌بینید؟

هر نقشی که من در سریال‌های تاریخی بازی کردم هم از نظر دوره تاریخی و هم از نظر نوع ساخت و نقش باهم فرق می‌کردند. «مختارنامه» هم با همه آنها فرق می‌کرد. هر کدام از کارهای تاریخی جذابیت‌های خودش را دارد. سریال یوسف پیامبر، مردان آنجلس، مختارنامه و... جذابیت‌های خاص خودشان را دارند. هر کدام یک تجربه جدید برای بازیگر است، اما باید بگویم مختارنامه از همه آنها سخت‌تر بود. یک کار بسیار سخت و طاقت‌فرسا که باید در دمای بالای ۵۰ درجه و لباس‌های ذره‌ای و چرمی به بهترین شکل و با همان وسواس‌هایی که گفتم انجام می‌گرفت و اگر کاربدی آدم‌هایی که با آنها کار می‌کردیم وجود نداشت به هیچ عنوان این وضعیت قابل تحمل نبود، اما وقتی با عوامل حرفه‌ای که کار را به درستی انجام می‌دهند کار کنی آن وقت احساس خستگی و بی‌طاقتی کمتر به سراغت می‌آید.

در زمان پخش مختارنامه بازخوردهایی که بابت نقش‌تان داشتید چطور بود؟

بازخوردها خیلی متفاوت بودند. برخی از مردم که چندان توجهی به این که این کار یک نقش است و ربطی به دنیای واقعی ندارد لعن و نفرین می‌کنند و مثلاً تا من را می‌دیدند می‌گفتند چرا سر ۷۰۰ نفر را بریده‌ای! اما کسانی که به بازی در مختار به صورت حرفه‌ای نگاه می‌کردند کلاً هم سریال و هم نقشی که من در آن داشتم را تحسین می‌کردند؛ کم‌این که بالاخره نقدهایی هم وجود داشت و یکسری خوش‌شان آمده بود و یکسری از نوع بازی هم انتقاد می‌کردند. به هر حال هر کس براساس درکی که از دید خود دارد می‌تواند بازی‌ها را نقد و بررسی کند و همه در این زمینه آزاد هستند.

آیا از آن دوران خاطره‌ای در یادتان مانده که بعد از گذشت یک دهه آن را از یاد نبرده باشید؟

به هر حال عوامل و آدم‌های مختلفی که در این مجموعه حضور داشتند هر کدام خاطره‌ای از خودشان به جا گذاشته‌اند. اما فشنگ‌ترین خاطره‌ای که در ذهنم باقی مانده همان زمانی است که صحنه غرق شدن مصعب در دریای خون دارالحکومه را نشان می‌داد. زمانی که باید این صحنه را بازی می‌کردم خیلی نگران بودم و استرس داشتم. لباس خیلی دست و پاگیر بود. حتی شنلی که در این قسمت به تن داشتم دور من پیچیده و لباسم در زیر آب باد کرده بود و من باید تمام تلاشم را می‌کردم که به بالا کشیده نشوم. خیلی کار سختی بود و برای همین بازی در آن سکانس همیشه در یادم مانده است.

آیا شما طی این سال‌ها که بارها و بارها این سریال پخش شده است واکنشی به دلیل تکرار این سریال داشته‌اید؟

من نظرم این است حتما مردم این سریال را دوست دارند و برای استقبالی که می‌شود این قابلیت را دارد تا هر سال پخش شود. چرا کارهای تاریخی دیگر پخش نمی‌شود؟ برای مردم جذاب است و تلویزیون هم پخش می‌کند. چون هنوز بعد از گذشت این همه سال جذابیت خود را از دست نداده است و مردم هم با آن ارتباط برقرار می‌کنند. چون جزو کارهای خسته‌کننده نیست.

شخصیت پررمزوراز «مختار ثقفی» قیام‌کننده برای خدا یا سیاسی‌کار؟

«مختار ثقفی» از آن دسته آدم‌های پیچیده و مرموز تاریخ اسلام است که خیلی‌ها هنوز نمی‌دانند بالاخره او فردی مومن به آرمان شیعه و اعتقادات

احسان سالمی
روزنامه‌نگار

واقعی شیعیان اثنی‌عشری است یا مردی جاه‌طلب است که در راه رسیدن به قدرت، به شکلی غیرمستقیم بخشی از آرمان همیشگی شیعیان که خونخواهی از قاتلان سیدالشهدا (ع) است را محقق کرده است.

قطعا به همین خاطر هم بود که ساخت «مختارنامه» در رسانه ملی، نه فقط از باب چالش‌های به تصویر کشیدن قصه‌ای تاریخی در قاب تلویزیون، بلکه از جهت انتخاب روایتی درست برای شرح ماجرای قیام مختار با سختی‌های بسیاری مواجه بود. هر چند که دیدن تیتراژ پایانی مختارنامه داوود میرباقری و فهرست پرو پیمان منابع تاریخی متنوع موجود در آن خیال هر مخاطبی را از این مسأله راحت می‌کرد که سازندگان این اثر نهایت سعی خود را برای احاطه و وفاداری به مستندات تاریخی انجام داده‌اند؛ اما روایت‌های موجود پیرامون شخصیت مختار ثقفی و اهداف قیام او علیه قاتلان سیدالشهدا (ع) به قدری متعارض است که نمی‌توان به راحتی از کنار آن عبور کرد.

مختاری که یک روز دعوت امام حسن (ع) را برای پیوستن به سپاه ایشان رد کرد و روزی دیگر نیز حاضر نشد که همراه دیگر بزرگان کوفه برای دعوت از امام حسین (ع) به ایشان نامه بنویسد، ولی بدون شک از زمره اولین کسانی بود که به خونخواهی شهدای کربلا قیام کرد.

آنچه دست‌کم در مورد شخصیت مختار می‌توان گفت، این است که او شخصیتی خاکستری است که نه می‌توان ویژگی‌های مثبتش را انکار کرد و نه می‌توان برخی ویژگی‌های منفی او را نادیده گرفت؛ شاید به همین خاطر هم باشد که مراجع دینی و تاریخی نیز با احتیاط نسبت به او قضاوت کرده و می‌کنند. آنچنان که مرحوم علامه مجلسی پس از نقل روایت شفاعت مختار توسط پیامبر اکرم (ص) می‌نویسد: «مختار در ایمان و یقین، کامل نبوده و در قیام و حکومتی که انجام داد، صریحاً مأذون از جانب امام زمان خویش نبوده است، لکن به دلیل خیرات بسیاری که به دست او جاری شده و به وسیله آن انتقامی که از قتل کربلا انجام داد، سبب تشفی قلوب مؤمنان شد. لذا عاقبت امر او، نجات و خیر خواهد بود.»

مختار ثقفی یکی از مهم‌ترین و موثرترین چهره‌های تاریخ تشیع است که قیامش سرآغاز اتفاقات مهمی در تاریخ اسلام شد؛ تاریخی که بدون مختار شاید تا به امروز حادثه کربلا و قصه مجازات گروهی از مسببان حادثه کربلا و گرفتن انتقام از قاتلان سیدالشهدا (ع) بود.